

مقایسه سرسختی، عقده‌های حقارت، سبک‌های مقابله‌ای و انگیزه پیشرفت بین کودکان کار و عادی

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۹/۱۹ - تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۲/۰۵

خلاصه

مقدمه

هدف این پژوهش مقایسه سرسختی، عقده‌های حقارت، سبک‌های مقابله‌ای و انگیزه پیشرفت بین کودکان کار و عادی بود.

روش کار

این تحقیق از جهت هدف، کاربردی است و از طرح پژوهش از نوع علی-مقایسه‌ای است. جامعه تحقیق حاضر تمام کودکان کار و عادی شهر تهران بود که با استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس ۱۰۰ در گروه کودکان عادی و ۱۰۰ نفر گروه کودکان کار قرار گرفتند. بدین ترتیب پرسشنامه‌های پژوهش که شامل سرسختی، کهنتری، سبک‌های مقابله‌ای و انگیزه پیشرفت هرمنس بود در بین هر دو گروه پخش و اطلاعات لازم برای تحلیل مورد جمع‌آوری قرار گرفت.

نتایج

نتایج تحلیل واریانس چند متغیره نشان داد که بین سرسختی، عقده‌های حقارت و سبک‌های مقابله‌ای بین کودکان کار و کودکان عادی تفاوت وجود دارد؛ آزمون تعقیبی بن فرونی نشان داد که عقده‌های حقارت و سبک مقابله‌ای هیجان مدار کودکان کار بطور معنی داری بیشتر از کودکان عادی است ($p \leq 0.01$) و سرسختی و سبک مقابله‌ای مساله مدار گروه کودکان عادی بیشتر از گروه کودکان کار بود ($p \leq 0.01$) اما بین کودکان کار و کودکان عادی در انگیزه پیشرفت تفاوت معنی داری دیده نشد.

نتیجه‌گیری

با توجه به یافته‌های پژوهش، پیشنهاد می‌شود که برنامه‌های آموزشی و حمایتی برای کودکان کار طراحی شود که بر تقویت سرسختی و مهارت‌های مقابله‌ای مساله‌مدار تمرکز داشته باشد. همچنین، ایجاد فضایی برای ارتقاء اعتماد به نفس و کاهش عقده‌های حقارت در این کودکان می‌تواند به بهبود سلامت روان و اجتماعی آن‌ها کمک کند.

کلمات کلیدی

سرسختی، عقده‌های حقارت، سبک‌های مقابله‌ای، انگیزه پیشرفت و کودکان کار
پی‌نوشت: این مطالعه فاقد تضاد منافع می‌باشد.

مریم رضی^۱

حسین اخلاقی کوهپایی^{۲*}

افشین صلاحیان^۳

۱ کارشناسی ارشد روانشناسی، گروه روانشناسی، واحد

علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

۲ استادیار گروه روانشناسی، واحد علوم و تحقیقات،

دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

۳ استادیار گروه روانشناسی، واحد علوم و تحقیقات،

دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

* گروه روانشناسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه

آزاد اسلامی، تهران، ایران

Email: H.akh111@yahoo.com

مقدمه

سال‌های کودکی، مرحله مهم و برجسته رشد و تکامل فرد به شمار می‌رود، اما کودکانی هستند که باید کار کنند و کمک خرج والدین خود باشند. پدیده کودکان کار پدیده‌ای رشد یابنده در جهان و در کشور ما است. یکی از آسیب‌های جدی که جوامع، چه پیشرفته و چه در حال توسعه از جمله جامعه ایران را تهدید می‌کند، گسترش روزافزون کودکان خیابانی است که به دلایل گوناگون، بخشی یا همه اوقات خود را در خیابان‌ها سپری می‌کنند و عمدتاً از طریق تکدی، بزهکاری، شغل‌های کاذب فصلی امرار معاش می‌کنند (۱). تاکنون آمار تخمینی تعداد کودکان کار را بیش از ۵۰۰ میلیون نفر برآورد کرده است (۲)، همچنین طبق برآوردهای سازمان بین‌المللی کار، ۲۳ درصد از کودکان ۱۰ تا ۱۴ ساله جهان در حال کارند که بخش عظیمی از آن‌ها در کشورهای در حال توسعه (آمریکای لاتین، آسیا و آفریقا) و بخشی نیز در کشورهای صنعتی زندگی می‌کنند (۳). در کشور ما آمار دقیقی در مورد کودکان کار و خیابان وجود ندارد، زیرا مسائل فرهنگی و کوچ این کودکان به نقاط گرمسیر یا سردسیر، سرشاماری آنان را دشوار می‌کند. اما تعداد شمار آنان کمابیش از ششصد هزار تا یک میلیون تن برآورده شده است (۴).

از متغیرهای روانشناختی کودکان که می‌تواند بر آینده آنها موثر باشد، میزان سرسختی آنهاست (۵). اصطلاح سرسختی در مورد افرادی به کار برده می‌شود که در برابر فشار روانی مقاومت می‌کنند، اغلب، سرسختی را غلبه مؤثر بر فشار و شدت تعریف کرده‌اند، به طوری که فرد تحت تأثیر موقعیت پرفشار قرار نگیرد. برگشت به حالت اولیه و بازگشت از شکست‌ها در نتیجه افزایش عزم برای موفقیت، مقاومت در برابر شکست، داشتن اعتماد پایدار به خود در کنترل سرنوشت خویش و نیز داشتن مهارت‌های ذهنی زیاد به عنوان ویژگی‌های پایه‌ای سرسختی و افراد سخت‌کوش بیان شده است (۶).

سرسختی که ریشه در فلسفه وجودی دارد، از سه مولفه تعهد، کنترل و چالش تشکیل شده است شخصی که از تعهد بالایی

برخوردار است. بر اهمیت، ارزش و معنای این که چه کسی است و چه فعالیتی انجام می‌دهد باور دارد و بر همین مبنای قادر است در مورد هر آنچه که انجام می‌دهد، معنایی بیابد و کنجکاو خود را برانگیزد. و همچنین افرادی که در مولفه کنترل قوی هستند رویدادهای زندگی را قابل پیش‌بینی و کنترل می‌دانند و بر این باورند که قادرند با تلاش خود هر آنچه در اطرافشان رخ می‌دهد را تحت تأثیر قرار دهند. مبارزه طلبی نیز شامل این باور است که تغییر، جنبه طبیعی زندگی است. افراد مبارزه طلب، موقعیت‌های مثبت یا منفی را که به سازگاری مجدد نیاز دارد، فرصتی برای یادگیری و رشد بیشتر می‌دانند تا تهدیدی برای امنیت و آسایش خود (۷).

یکی دیگر از متغیرهایی که می‌تواند در بین کودکان کار و عادی قابل مقایسه باشد، عقده‌های حقارت کودکان می‌باشد. عقده حقارت باور عمیق، غیرواقعی و دائم در مورد پایین بودن توانایی‌های عقلانی و جسمانی است که به کاهش سطح ارزش‌ها و ناراضی‌سازی فرد منجر می‌شود (۸). احساس‌های حقارت منبع تمام تلاش‌های انسان هستند. رشد فرد از جبران، از تلاش‌هایش برای چیره شدن بر حقارت‌های واقعی یا خیالی او ناشی می‌شود. در طول زندگی خود، با نیاز به جبران کردن این احساس‌های حقارت و تلاش کردن برای سطوح مراتب بالاتر رشد، تحریک می‌شود. این فرایند در کودکی آغاز می‌شود. کودکان کوچک و درمانده هستند و کاملاً به بزرگسالان وابسته‌اند. کودک در رابطه با افراد بزرگتر و قوی‌تر پیرامون خود احساس‌های حقارت را پرورش می‌دهد. این تجربه به صورت ژنتیکی تعیین نشده، بلکه این شرایط درماندگی و وابستگی به بزرگسالان، حاصل محیط است که برای همه کودکان یکسان است. احساس‌های حقارت گریز ناپذیرند، ولی از آن مهم‌تر، ضروری هستند، زیرا برای رشد انگیزش‌تأمین می‌کنند (۹).

سبک‌های مقابله‌ای متغیر مورد بررسی دیگری در بین کودکان کار و عادی است. بر اساس دیدگاه لازاروس و فولکمن، راهبردهای مقابله‌ای عبارت از مجموعه‌ای از تلاش‌های شناختی

دسترس ۲۰۰ نفر انتخاب شد که ۱۰۰ در گروه کودکان عادی و ۱۰۰ نفر گروه کودکان کار بودند. بدین ترتیب پرسشنامه‌های پژوهش در اختیار کودکان قرار گرفت و داده‌های مورد نیاز جمع‌آوری شد سپس یافته‌های با استفاده از تحلیل واریانس مورد تحلیل قرار گرفت.

ابزارهای پژوهش

مقیاس سخت کوشی بارتون (۱۹۹۵): برای سنجش سخت کوشی از پرسشنامه سخت کوشی بارتون (۱۹۹۵) استفاده شده است. این پرسشنامه دارای ۴۵ گویه می‌باشد که به صورت لیکرت ۴ درجه‌ای (۰ = اصلاً درست نیست، ۱ = اندکی درست است، ۲ = تا اندازه‌ای درست است، ۳ = کاملاً درست است) نمره گذاری می‌شود. قابلیت اعتماد یا پایایی یک ابزار عبارت است از درجه ثبات آن در اندازه‌گیری هر آنچه اندازه می‌گیرد یعنی اینکه ابزار اندازه‌گیری در شرایط یکسان تا چه اندازه نتایج یکسانی به دست می‌دهد. پایایی این پرسشنامه با آزمون آلفای کرونباخ ۰/۷۸ به دست آمد. در این پژوهش نیز روایی ابزار با استفاده از نظر اساتید تایید و پایایی آن با استفاده از آلفای کرونباخ ۰/۷۸ به دست آمد.

مقیاس کهنتری: مقیاس کهنتری دارای ۳۴ گویه شامل افکار منفی است که به طور مکرر به وسیله بیماران که از اختلال اضطرابی (به ویژه هراس اجتماعی و سواس - بی اختیاری) رنج می‌برند، گزارش شده است. این مقیاس یک ابزار خود گزارش دهی است که ۱۷ گویه آن کهنتری مرتبط با قضاوت‌های دیگران را می‌سنجد. از لحاظ محتوایی از ۳۴ گویه ۱۵ گویه آن با رویدادهای منفی نظیر ضعف، خستگی، اشتباه و انتقاد و ۱۵ گویه دیگر با رویدادهای مثبت نظیر ارزشمندی، موفقیت، تحسین مرتبط‌اند و ۴ گویه دیگر منعکس کننده اصول موضوعه بی قید و شرط هستند. ضریب اعتبار مقیاس کهنتری برای پژوهش یوسفی و همکاران (۱۳۸۷) از طریق باز آزمایشی ۰/۷۶ = r و هماهنگی درونی گویه‌های مقیاس از طریق آلفای کرونباخ ۰/۸۹ به دست آمده است. همچنین همبستگی نمره‌های مقیاس کهنتری با پرسشنامه افسردگی بک و استیر (۱۹۸۷) و پرسشنامه اضطراب بک (۱۹۹۰) در گروه هراسی به

رفتاری فرد است که در جهت تعبیر و تفسیر و اصلاً یک وضعیت تنش زا به کار می‌رود و منجر به کاهش رنج ناشی از آن می‌شود (۱۰). راهبردهای مقابله‌ای را روش تغییر موقعیت ها و یا تفسیر موقعیت ها می‌دانند. این راهبردها فرایند پویا و مداوم هستند و به طور کلی به دو نوع تقسیم می‌شوند: مسئله مدار و هیجان مدار. راهبردهای مقابله‌ای مسئله مدار بیانگر اعمالی هستند که هدفشان تغییر یا کاهش موقعیت‌های فشارزاست. معمولاً زمانی که موقعیت یا رویداد، قابل تغییر باشد و یا فرد چنین تصور کند که میتواند موقعیت را مهار کرده و آن را تغییر دهد، از راهبرد مسئله مدار استفاده می‌کند. راهبردهای مقابله‌ای هیجان مدار عبارت است از تنظیم پاسخ هیجانی فرد در برابر مسئله. در صورتی که موقعیت یا رویداد، غیر قابل تغییر باشد و یا فرد چنین تصویری داشته باشد در این حالت از راهبرد هیجان مدار استفاده می‌نماید (۱۱).

یکی دیگر از متغیرهایی که می‌تواند در بین کودکان کار و عادی متفاوت باشد، میزان انگیزش پیشرفت است. انگیزه محرک اساسی برای تمام اعمال افراد است. انگیزه اشاره به پویایی رفتار دارد که شامل نیازها، تمایلات و جاه طلبی ها در زندگی می‌باشد. انگیزه پیشرفت اساس فرد در رسیدن به موفقیت و رسیدن به تمام آرزوهای او در زندگی است. انگیزه پیشرفت می‌تواند بر نحوه ای که یک فرد وظیفه ای را انجام می‌دهد و یا تمایل به نشان دادن شایستگی را دارد، تأثیر گذار باشد (۱۲).

با توجه به جمعیت رو به رشد کودکان کار در ایران و این امر که کودکان خیابان از محروم ترین کودکانی هستند که از بیشترین حقوق اساسی خود بی بهره‌اند و اهمیت دوران کودکی، و با توجه به مطالعات اندکی که در ایران انجام گرفته است، پژوهش حاضر در صدد بررسی مقایسه سرسختی، عقده‌های حقارت، سبک‌های مقابله‌ای و انگیزه پیشرفت بین کودکان کار و عادی می‌باشد؛ و سوال اساسی پژوهش حاضر این است که چه تفاوتی بین سرسختی، عقده‌های حقارت، سبک‌های مقابله‌ای و انگیزه پیشرفت بین کودکان کار و عادی وجود دارد؟

مواد و روش کار

روش این پژوهش علی-مقایسه‌ای بود. از جامعه آماری کودکان کار و عادی شهر تهران با استفاده از روش نمونه‌گیری در

ترتیب (۲ = ۰/۴۱)، (۲ = ۰/۱۵) و در گروه وسواسی به ترتیب (۲ = ۰/۵۵)، (۲ = ۰/۳۷) بود. در این پژوهش روایی ابزار با استفاده از نظر اساتید تایید و پایایی آن با استفاده از آلفای کرونباخ ۰/۸۷ به دست آمد.

پرسشنامه راهبردهای مقابله‌ای لازاروس و فولکمن: برای سنجش راهبردهای مقابله‌ای بر مبنای نظریه لازاروس و فولکمن، این دو روانشناس در سال ۱۹۸۸ پرسشنامه راهبردهای مقابله‌ای لازاروس و فولکمن را ساختند. این پرسشنامه دارای ۶۶ سوال است که به شیوه لیکرت ۴ درجه‌ای نمره‌گذاری می‌شود. پرسشنامه راهبردهای مقابله‌ای دارای ۸ زیرمقیاس است که عبارتند از: (۱) مقابله مستقیم؛ (۲) دوری‌گزینی یا فاصله‌گیری؛ (۳) خویشنداری؛ (۴) جستجوی حمایت اجتماعی؛ (۵) مسئولیت-پذیری؛ (۶) گریز-اجتناب؛ (۷) مسأله‌گشایی برنامه‌ریزی شده؛ (۸) ارزیابی مجدد مثبت.

این ۸ الگوی مقابله‌ای به دو دسته کلی تقسیم می‌شوند که عبارتند از:

راهبردهای مسأله محور: جستجوی حمایت اجتماعی، مسئولیت-پذیری، مسأله‌گشایی برنامه‌ریزی شده و ارزیابی مجدد مثبت
راهبردهای هیجان محور: مقابله مستقیم، دوری‌گزینی، گریز-اجتناب، خویشنداری

لازاروس (۱۹۹۳) ثبات درونی زیر مقیاس‌ها را با استفاده از آلفای کرونباخ برای زیر مقیاس راهبردهای مسأله محور ۰/۶۶ و برای راهبردهای هیجان محور ۰/۷۹ گزارش داد. علی‌پور و همکاران (۱۳۸۹) نیز پایایی این آزمون را ۰/۸۵ گزارش داد. در این پژوهش نیز روایی ابزار با استفاده از نظر اساتید تایید و پایایی آن با استفاده از آلفای کرونباخ ۰/۸۴ به دست آمد.

پرسشنامه انگیزه پیشرفت هرمنس: این پرسشنامه توسط هرمنس (۱۹۷۷) ساخته شده است. سؤالات پرسش‌نامه به صورت ۲۹ جمله ناقص بیان شده که به دنبال هر جمله ناتمام چند گزینه داده شده است. این گزینه‌ها بر حسب اینکه شدت انگیزه پیشرفت از زیاد به کم یا کم به زیاد باشند به آنها نمره

میزانی تعلق می‌گیرد. نمره‌گذاری پرسشنامه با توجه به ویژگیهای ۹ گانه که سؤالات براساس آنها تهیه شده است، انجام می‌گیرد. برای محاسبه پایایی پرسش‌نامه انگیزش پیشرفت از دو روش محاسبه آزمون کرونباخ و روش آزمون مجدد استفاده شد. به این صورت که در مطالعه مقدماتی برای بررسی ضریب همسانی درباره سؤالات ضریب آلفای کرونباخ محاسبه شد. ضریب پایایی محاسبه شده برای پرسش‌نامه به میزان ۸۴٪ به دست آمد. با استفاده از روش آزمون مجدد در مطالعات اصلی پرسش‌نامه، بعد از گذشت سه هفته مجدداً آزمون دانش آموزان داده شده ضریب پایایی به دست آمده با این روش نیز ۸۲٪ به دست آمد. از آنجا که هرمنس سؤالات این پرسش‌نامه را بر اساس پژوهش‌های قبلی درباره انگیزش پیشرفت نوشته است و در نهایت ضریب همبستگی هر سؤال را با رفتارهای پیشرفت محاسبه کرده است، از این نظر آزمون دارای روایی می‌باشد. ضرایب همبستگی که برای پرسش‌نامه گزارش شده به ترتیب سؤالات پرسش‌نامه در دامنه‌ای از ۵۷٪ تا ۳۱٪ می‌باشد علاوه بر این هرمنس در یک مطالعه به وجود همبستگی بالاتر بین این پرسش‌نامه با آزمون اندریافت موضوع (تی، ای، تی) اشاره دارد (شیخی فینی، ۱۳۷۲). در این پژوهش نیز روایی ابزار با استفاده از نظر اساتید تایید و پایایی آن با استفاده از آلفای کرونباخ ۰/۸۱ به دست آمد.

نتایج

در این پژوهش ۲۰۰ نفر شرکت کرده بودند. بدین ترتیب که ۱۰۰ نفر از کودکان کار و عادی را دختران و ۱۰۰ نفر از آنها را پسران تشکیل می‌دهند. یعنی در هر گروه از کودکان عادی و کار ۵۰ دختر و ۵۰ پسر به عنوان نمونه انتخاب شده‌اند. میانگین سن کودکان کار شرکت‌کننده در تحقیق برابر با ۱۲/۵۵ (با انحراف معیار ۱/۱۲) و میانگین سن شرکت‌کنندگان عادی برابر با ۱۲/۷۹ (با انحراف معیار ۱/۳۱) است. همچنین نمره میانگین سن کل کودکان شرکت‌کننده در تحقیق برابر با ۱۲/۶۷ (با انحراف معیار ۱/۲۲) است.

جدول ۱. نمرات میانگین و انحراف معیار متغیرهای ملاک تحقیق

متغیر	گروه	میانگین	انحراف معیار	تعداد
سرسختی	کار	۲۳.۶۳	۴.۳۸	۱۰۰
	عادی	۳۲.۰۶	۵.۵۲	۱۰۰
	کل	۲۷.۸۴	۶.۵۲	۲۰۰
احساس کھتری	کار	۱۱۱.۸۷	۲۲.۴۰	۱۰۰
	عادی	۹۲.۱۱	۱۹.۹۰	۱۰۰
	کل	۱۰۱.۹۹	۲۳.۳۴	۲۰۰
راهبردهای هیجان	کار	۶۵.۸۰	۱۱.۱۰	۱۰۰
	عادی	۵۸.۵۶	۹.۹۳	۱۰۰
	کل	۶۲.۱۸	۱۱.۱۱	۲۰۰
مدار	کار	۵۵.۸۶	۷.۹۶	۱۰۰
	عادی	۶۱.۵۳	۸.۸۲	۱۰۰
	کل	۵۸.۶۹	۸.۸۵	۲۰۰
راهبردهای مساله	کار	۶۳.۰۶	۸.۲۱	۱۰۰
	عادی	۶۲.۳۶	۸.۴۲	۱۰۰
	کل	۶۲.۷۱	۸.۳۰	۲۰۰

در جدول ۱ آمار توصیفی متغیرهای پژوهش آورده شده است. در ادامه به تحلیل یافته‌های با استفاده از روش تحلیل واریانس پرداخته خواهد شد. قبل از استفاده از تحلیل واریانس پیش‌فرض -

های این آزمون با استفاده از آزمون کالموگراف اسمیرنوف، آزمون باکس و آزمون لوین مورد بررسی و تایید شد.

جدول ۲. آزمون‌های چند متغیره تحلیل واریانس چند متغیره

اثر	مقدار	F	درجه آزادی فرضیه	درجه آزادی خطا	سطح معنی داری	مجذور ایتای جزئی	توان آزمون
اثر پیلایی	.۹۹۵	۷۶۷۵.۷۲	۵.۰۰	۱۹۴.۰۰	.۰۰۰	.۹۹۵	۱
لامبدای ویلکز	.۰۰۵	۷۶۷۵.۷۲	۵.۰۰۰	۱۹۴.۰۰	.۰۰۰	.۹۹۵	۱
اثر هوتلینگ	۱۹۷.۸۲	۷۶۷۵.۷۲	۵.۰۰	۱۹۴.۰۰	.۰۰۰	.۹۹۵	۱
بزرگترین ریشه روی	۱۹۷.۸۲	۷۶۷۵.۷۲	۵.۰۰	۱۹۴.۰۰	.۰۰۰	.۹۹۵	۱
اثر پیلایی	.۵۸	۵۴.۵۳	۵.۰۰	۱۹۴.۰۰	.۰۰۰	.۵۸۴	۱
لامبدای ویلکز	.۴۱	۵۴.۵۳	۵.۰۰	۱۹۴.۰۰	.۰۰۰	.۵۸۴	۱
اثر هوتلینگ	۱.۴۰	۵۴.۵۳	۵.۰۰	۱۹۴.۰۰	.۰۰۰	.۵۸۴	۱
بزرگترین ریشه روی	۱.۴۰	۵۴.۵۳	۵.۰۰	۱۹۴.۰۰	.۰۰۰	.۵۸۴	۱

با توجه به نتایج گزارش داده شده در جدول (۲) مشخص است که همه آزمون‌های چند متغیره از نظر آماری معنی دار هستند. برای مثال اندازه آزمون پیلایی برای عامل گروهی برابر با ۰/۵۸۴ است (F_{۵, ۱۹۴} = ۰۴, ۵۳; P < .۰۱). این نتیجه به معنای این است که بین دو گروه در ترکیب خطی متغیرهای وابسته تفاوت معنی داری وجود دارد. به عبارت دیگر، بین دو گروه از کودکان

است (F_{۵, ۱۹۴} = ۰۴, ۵۳; P < .۰۱). این نتیجه به معنای این است که بین دو گروه در ترکیب خطی متغیرهای وابسته تفاوت معنی داری وجود دارد. به عبارت دیگر، بین دو گروه از کودکان

از متغیرهای پژوهش در بین دو گروه تفاوت معنی‌داری وجود دارد در جدول زیر مورد بررسی قرار می‌گیرد.

عادی و کار در ترکیب خطی نمرات سرسختی، عقده‌های حقارت، سبک‌های مقابله‌ای و انگیزه پیشرفت کودکان کار و عادی تفاوت معنی‌داری وجود دارد. اینکه دقیقاً بین کدام یک

جدول ۳. تحلیل واریانس برای مقایسه متغیرهای پژوهش در بین کودکان کار و عادی

منبع	متغیر وابسته	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معنی داری	مجذور ایتا	توان آزمون
گروه	سرسختی	۳۵۵۳.۲۴	۱	۳۵۵۳.۲۴	۱۴۲.۹۶۹	.۰۰۰	.۴۱۹	۱
	احساس کهنری	۱۹۵۲۲.۸۸	۱	۱۹۵۲۲.۸۸	۴۳.۴۷۴	.۰۰۰	.۱۸۰	۱
	راهبردهای مقابله هیجان مدار	۲۶۲۰.۸۸	۱	۲۶۲۰.۸۸	۲۳.۶۲۴	.۰۰۰	.۱۰۷	۱/۹۹۸
	زاهبردهای مقابله مساله مدار	۱۶۰۷.۴۴	۱	۱۶۰۷.۴۴	۲۲.۷۵۲	.۰۰۰	.۱۰۳	۱/۹۹۷
	انگیزه پیشرفت	۲۴.۵۰	۱	۲۴.۵۰	۳.۵۴	.۵۵۳	.۰۰۲	۱/۰۹۱
خطا	سرسختی	۴۹۲۰.۹۵	۱۹۸	۲۴.۸۵				
	احساس کهنری	۸۸۹۱۵.۱۰	۱۹۸	۴۴۹.۰۶				
	راهبردهای مقابله هیجان مدار	۲۱۹۶۶.۶۴	۱۹۸	۱۱۰.۹۴				
	زاهبردهای مقابله مساله مدار	۱۳۹۸۸.۹۵	۱۹۸	۷۰.۶۵				
	انگیزه پیشرفت	۱۳۷۰۸.۶۸	۱۹۸	۶۹.۲۳				
	سرسختی	۱۶۳۵۴۳.۰۰	۲۰۰					
	احساس کهنری	۲۱۸۸۸۳۰.۰۰	۲۰۰					
	راهبردهای مقابله هیجان مدار	۷۹۷۸۵۸.۰۰	۲۰۰					
	زاهبردهای مقابله مساله مدار	۷۰۴۶۱۷.۰۰	۲۰۰					
	انگیزه پیشرفت	۸۰۰۲۴۲.۰۰	۲۰۰					

معنی دار است. به عبارت دیگر، می‌توان نتیجه گرفت که نمرات میانگین کودکان عادی نسبت به کودکان کار در سرسختی روانشناختی به طور معنی‌داری بالاتر است.

یافته‌های گزارش شده در جدول ۳ گویای این است که بین دو گروه از کودکان کار و عادی در نمره میانگین متغیر احساس حقارت (عقده حقارت) از نظر آماری تفاوت معنی‌داری وجود دارد ($F(1, 198) = 43.47; P < .01$). این یافته به معنای تفاوت میانگین دو گروه در متغیر عقده‌های حقارت است. یافته‌ها

با توجه به اینکه اندازه آزمون F مربوط به عامل گروهی برای متغیر سرسختی روانشناختی از نظر آماری معنی‌دار است ($F(1, 198) = 142.966; P < .01$). می‌توان نتیجه گرفت که بین دو گروه از کودکان عادی و کودکان کار در نمرات میانگین متغیر سرسختی روانشناختی از نظر آماری تفاوت معنی‌داری وجود دارد. با توجه به یافته‌ها مشخص است که نمرات میانگین کودکان عادی نسبت به کودکان کار در متغیر سرسختی روانشناختی $P < .01$ نمره بیشتر است. این اختلاف میانگین در سطح $P < .01$

کودکان عادی در متغیر راهبردهای هیجان مدار بالاتر است. این یافته نشان می‌دهد که کودکان کار نسبت به کودکان عادی از راهبردهای هیجان مدار بیشتری استفاده می‌کنند. اما در مورد راهبردهای مقابله‌ای مساله مدار نیز اندازه آزمون F از نظر آماری معنی دار است ($P < .01$; $F_{1,98} = 22.72$). یافته‌ها گویای این است که نمره میانگین کودکان عادی بیشتر از کودکان کار در این متغیر است. در واقع، می‌توان نتیجه گرفت که کودکان عادی از راهبردهای حل مساله بیشتری نسبت به کودکان کار استفاده می‌کنند.

در نهایت مطابق با یافته‌های گزارش شده در جدول ۳ مشخص است که اندازه آزمون F از نظر آماری معنی دار نیست. این نتیجه به این معناست که بین دو گروه از کودکان عادی و کار از نظر آماری تفاوت معنی داری در نمره میانگین انگیزه پیشرفت کودکان کار وجود ندارد.

نمرات پایینی در سخت رویی نسبت به کودکان عادی دریافت کنند. به عبارت دیگر می‌توان گفت که اگر فشارهای تحمیل شده به کودکان کار نامطلوب و نامناسب بوده و این قبیل کودکان به مرحله سرسختی نمی‌رسند و به این خاطر تکیه بر خود و شروع اولیه امور به دست خود کودک دچار مخاطره خواهد شد. اگر کودکان نتوانند خود را به نحو موثری اعمال نموده و بر فعالیت‌های مختلف احساس تسلط پیدا کنند دچار حس ناتوانی و یا درماندگی شدید می‌شوند. در واقع، اگر تکالیف مورد انتظار با توجه به سن و توانمندی کودک بیش از اندازه ساده باشند کودکان حتی با حل و فصل آنها احساس موفقیت نخواهند کرد و چنانکه تکالیف مورد انتظار بیش از اندازه دشوار باشند کودکان در برخورد با چنین تکلیفی احساس ناتوانی و شکست خواهند کرد. بدین ترتیب تکالیفی که کودکان با آن مواجه می‌شوند از نظر سطح دشواری باید با سن و توانایی آن تناسب داشته باشد.

همچنین نتیجه بعدی پژوهش این بود که بین دو گروه از کودکان کار و عادی در نمره میانگین متغیر احساس حقارت (عقدۀ حقارت) از نظر آماری تفاوت معنی داری وجود دارد. این یافته به معنای تفاوت میانگین دو گروه در متغیر عقدۀ‌های

گویای این است که نمرات میانگین کودکان کار در حدود ۱۹/۷۶ نمره نسبت به کودکان عادی در متغیر احساس حقارت بالاتر است. این یافته نشان می‌دهد که کودکان کار احساس حقارت بیشتری نسبت به کودکان عادی دارند.

با توجه به اینکه سبک‌های مقابله با هیجان از دو بعد کلی سبک‌های مقابله‌ای هیجان مدار و سبک‌های مقابله‌ای مساله مدار تشکیل شده است، یافته‌های فرضیه سوم به طور مجزا توضیح داده می‌شود. با توجه به یافته‌های گزارش شده در جدول ۳ مشخص است که بین دو گروه از کودکان کار و عادی در نمره میانگین متغیر راهبردهای مقابله‌ای هیجان مدار از نظر آماری تفاوت معنی داری وجود دارد ($P < .01$; $F_{1,98} = 22.62$). این یافته به معنای تفاوت میانگین دو گروه در متغیر راهبردهای مقابله‌ای هیجان مدار است. یافته‌ها گویای این است که نمرات میانگین کودکان کار در حدود ۷/۲۴ نمره نسبت به

بحث و نتیجه‌گیری

هدف این پژوهش مقایسه سرسختی، عقدۀ‌های حقارت، سبک‌های مقابله‌ای و انگیزه پیشرفت بین کودکان کار و عادی بود. نتیجه پژوهش نشان داد که بین دو گروه از کودکان عادی و کودکان کار در نمرات میانگین متغیر سرسختی روانشناختی از نظر آماری تفاوت میانگین وجود دارد. بطوریکه، نمرات میانگین کودکان کار نسبت به کودکان عادی در سرسختی روانشناختی به طور معنی داری پایین تر بود. نتایج این فرضیه از پژوهش با یافته‌های تحقیقات مشابه انجام شده در این حوزه نظیر (۱۴-۱۳) همسو بود.

در تبیین این یافته می‌توان گفت که کودکان کار علاوه بر آسیب‌های جسمی با آسیب‌های غیرجسمی که معمولاً برگشت ناپذیر می‌باشند نیز روبه رو هستند؛ برای مثال کودکان کار به جای پرداختن به بازی با همسالان و همچنین تحصیل، بایستی بالاجبار به کار کردن با شرایط ناهمخوان با سن و ویژگی‌های خود تن دهند که این عوامل می‌توانند کودکان را با استرس و اضطراب مواجه سازند (۱۷)؛ مواجهه با استرس‌های طولانی مدت در این کودکان موجب کاهش سیستم ایمنی بدن و تاب آوری می‌شود و در نتیجه موجب می‌شود که کودکان کار

حقارت بود. در واقع، این یافته گویای این بود که کودکان کار احساس حقارت بیشتری نسبت به کودکان عادی دارند. یافته‌های این تحقیق با یافته‌های پژوهش هیدی (۱۶) همسو است.

در تبیین این یافته می‌توان گفت که کودکان کار به علت جدا شدن از خانواده و کار کردن با دیگران احساس فقدان و ناامیدی می‌کنند. کار کودکان ممکن است موجب از دست رفتن یادگیری متناسب با سن کودکان، بازی، و تعامل با همسالان وی شود. این گونه کودکان ممکن است به خاطر شرایط روحی و روانی خود توسط همسالان خود طرد می‌شوند، و اینکار موجب آسیب به عزت نفس آنها می‌شود، که می‌تواند با تشدید سو استفاده توسط دیگران این وضعیت تشدید شود. از طرف دیگر، توانایی‌های شناختی این کودکان نیز می‌تواند دچار آسیب شود و این شرایط پیش آمده برای کودکان کار می‌تواند موجب آسیب جدی به عزت نفس و افزایش احساس حقارت آنها شود (۱۷). در واقع، نتایج به دست آمده برای این فرضیه را می‌توان اینگونه تبیین کرد که کودکان کار با مقایسه خود با دیگر کودکان همسن خود با احتمال زیادی ادراکات و طرحواره‌های منفی زیادی نظیر محرومیت هیجانی، نقص، شکست، رها شدگی، اطاعت، خود قربانگری توسعه می‌دهند و این طرحواره‌های منفی منجر به اعتماد نفس و عزت نفس پایین و شکل‌گیری عقده‌های حقارت می‌شود.

در ادامه یافته‌های تحلیل آثار بین گروهی نشان داد که بین دو گروه از کودکان کار و عادی در نمره میانگین متغیر راهبردهای مقابله‌ای هیجان مدار از نظر آماری تفاوت معنی داری وجود دارد. این یافته به معنای تفاوت میانگین دو گروه در متغیر راهبردهای مقابله‌ای هیجان مدار بود. این یافته نشان دهنده این بود که کودکان کار نسبت به کودکان عادی از راهبردهای هیجان مدار بیشتری استفاده می‌کنند. اما در مورد راهبردهای مقابله‌ای مساله مدار نیز یافته‌های پژوهش گویای این بود که نمره میانگین کودکان عادی بیشتر از کودکان کار در این متغیر است. در واقع، می‌توان نتیجه گرفت که کودکان عادی از راهبردهای حل مساله بیشتری نسبت به کودکان کار استفاده می‌کنند. این یافته همسو با یافته‌های (۱۸-۲۱) است.

در تبیین این رابطه می‌توان گفت که کودکان کار زمانی کافی برای لذت بردن از دوران کودکی خود ندارند و از رشد و تحول روانی اجتماعی و یادگیری راهبردهای مقابله‌ای مساله مدار محروم می‌شوند. کودکان کار قادر نیستند که بین عوامل مضطرب کننده کار و مدرسه تعادل ایجاد کنند و به همین خاطر تمرکز لازم را ندارند و نمی‌توانند از راهبردهای متناسب برای مقابله با اضطراب بهره بگیرند. در حقیقت، وضعیت فعلی کودکان کار به علت مواجهه با استرس‌های متعدد خانوادگی، کار و مدرسه به قدری بغرنج بوده که آنها کمتر امکان بهره گرفتن از سبک‌های مقابله‌ای مساله مدار را دارا هستند. از طرف دیگر، به علت مشکلات محیطی و خانوادگی موجود در زندگی این کودکان آنها الگوهای یادگیری با استرس و مقابله با شرایط و بحران‌ها را به درستی یاد نگرفته‌اند. این قبیل کودکان عمدتاً دارای شرایط زندگی مشکل دار و توأم با استرس هستند و برای مواجهه با استرس‌های زندگی امکان به کارگیری راهبردهای منطقی را ندارند و به همین خاطر است که با احتمال بالایی از راهبردهای مقابله هیجان مدار برای کاهش استرس‌های خود استفاده می‌کنند.

در نهایت مطابق با یافته‌های به دست آمده از مقایسه انگیزه پیشرفت در بین کودکان کار و عادی مشخص شد که اندازه آزمون F از نظر آماری معنی دار نیست. این نتیجه به این معناست که بین دو گروه از کودکان عادی و کار از نظر آماری تفاوت معنی داری در نمره میانگین انگیزه پیشرفت کودکان کار وجود ندارد. نتیجه این پژوهش نشان داد که نمرات انگیزه پیشرفت کودکان کار تفاوت معنی داری یا کودکان عادی ندارد. هر چند که یافته‌های این پژوهش با یافته‌های تاحدی مشابه نظیر تحقیق سفیری، احمدی، رستمی و فرهوده (۱۳۹۳) که در مورد امید به آینده کودکان کار و عادی پژوهشی را انجام داده بود و به این نتیجه رسیده بود که امید به آینده کودکان کار به طور معنی داری پایین‌تر از کودکان عادی است، همسو نیست، ولی یافته‌های پژوهش فعلی را با عنایت به این مفروضه می‌توان تبیین کرد که کودکان کار علی‌رغم تجربیات روحی و روانی توأم با استرس و مشکلات عدیده روانشناختی دارای

نباید استنباط علت و معلولی از یافته‌های آن داشت. در پژوهش‌های آتی پیشنهاد می‌شود از حجم گسترده تری از کودکان کار به منظور تعمیم پذیری نتایج تحقیق استفاده شود. تحقیقات طولی و بلند مدت در جهت بررسی تاثیر وضعیت زندگی کودکان کار بر مشکلات روانشناختی این قبیل کودکان انجام بگیرد. در نهایت پیشنهاد می‌شود در تحقیقات آتی تاثیر متغیرهای کنترلی نظیر هوش به منظور کنترل برخی از شرایط اولیه در جهت مقایسه دقیق تر وضعیت روانشناختی کودکان کار با عادی استفاده شود.

امیدواری و انگیزه برای بهتر کردن شرایط زندگی آتی خود هستند. این انگیزه پیشرفت هیچ تضادی با تجربه شرایط پر فشار روانی فعلی این کودکان ندارد. در واقع، کودکان کار با احتمال زیادی مکانیسم‌های دفاعی خود را در جهت بهتر کردن شرایط آتی خود به کار می‌برند و این به کارگیری مکانیسم‌های دفاعی می‌تواند یافته‌های به دست آمده برای این فرضیه را توجیه کند. از محدودیت‌های پژوهش این بود که حجم نمونه تحقیق پایین است و نباید نتایج را به جامعه گسترده کودکان کار تعمیم داد. این تحقیق با استفاده از روش علی مقایسه‌ای انجام شده است و

Reference

1. Rashi BS, Pal S, Ganguly SS, Biswas SK. Parenting children with cancer: impact assessment on quality of life using World Health Organization quality of life tool-BREF tool. *International Journal of Medical Science and Public Health*. ۲۰۱۸;۷(۳):۲۲۵-۸.
2. Fassa AG, Facchini LA, Dall'Agnol MM, Christiani DC. Child labor and health: problems and perspectives. *International Journal of Occupational and Environmental Health*. ۲۰۰۰ Jan ۱;۶(۱):۵۵-۶۲.
3. Hosny G, Moloukhia TM, Abd Elsalam G, Abd Elatif F. Environmental behavioural modification programme for street children in Alexandria, Egypt. *East Mediterr Health J*. ۲۰۰۷ Nov ۱;۱۳(۶):۴۳۸-۴۸.
4. Imanzadeh, A., Alipour, S. Lived Experience of Loneliness by Tabriz's labor Children: A Phenomenological Study. *Quarterly of Social Studies and Research in Iran*, ۲۰۱۹; ۸(۲): ۲۷۹-۳۰۴. doi: ۱۰.۲۲۰۵۹/jisr.۲۰۱۹.۲۶۸۷۲۷,۷۷۰
5. Hammoud MS, Bakkar BS, Abu-Hilal MM, Al Rujaihi YS. Relationship between psychological hardiness and career decision-making self-efficacy among eleventh grade students in Sultanate of Oman. *International Journal of Psychology and Counselling*. ۲۰۱۹ Feb ۲۸;۱۱(۲):۶-۱۴.
6. Connaughton D, Hanton S, Jones G. The development and maintenance of mental toughness in the world's best performers. *The sport psychologist*. ۲۰۱۰ Jun ۱;۲۴(۲):۱۶۸-۹۳.
7. Johnsen BH, Hystad SW, Bartone PT, Laberg JC, Eid J. Hardiness profiles: defining clusters of the dispositional resilience scale and their relation to soldiers' health. *Military Behavioral Health*. ۲۰۱۴ Apr ۳;۲(۲):۱۲۳-۸.
8. Dhara R, Barman P. Inferiority complex, adjustment problem and academic performance of differently-abled students in the state of west Bengal. *Humanities & Social Sciences Reviews*. ۲۰۲۰;۸(۳):۱۳۸۳-۹۴.
9. Rokvic N. Alexithymia, disgust and the inferiority/superiority complex: An exploratory study. *Engrami*. ۲۰۲۰;۴۲(۱):۳۲-۴۳.
10. Shaughness, M., Acs, D., Brabazon, F., Hockenbury, N., & Byrnes, K. R. (۲۰۲۰). Role of insulin in neurotrauma and neurodegeneration: a review. *Frontiers in neuroscience*, 14, ۵۴۷۱۷۵.
11. Bond FW, Dryden W, editors. *Handbook of brief cognitive behaviour therapy*. Chichester: Wiley; ۲۰۰۲ Jan.
12. Harackiewicz JM, Barron KE, Carter SM, Lehto AT, Elliot AJ. Predictors and consequences of achievement goals in the college classroom: Maintaining interest and making the grade. *Journal of Personality and Social Psychology*. ۱۹۹۷ Dec;۷۳(۶):۱۲۸۴.
13. Libório RM, Ungar M. Children's labour as a risky pathways to resilience: children's growth in contexts of poor resources. *Psicologia: Reflexão e Crítica*. ۲۰۱۰;۲۳:۲۳۲-۴۲.
14. Sturrock S, Hodes M. Child labour in low-and middle-income countries and its consequences for mental health: a systematic literature review of epidemiologic studies. *European child & adolescent psychiatry*. ۲۰۱۶ Dec;۲۵:۱۲۷۳-۸۶.
15. Alloway TP, Gathercole SE, Pickering SJ. Verbal and visuospatial short-term and working memory in children: Are they separable?. *Child development*. ۲۰۰۶ Nov;۷۷(۶):۱۶۹۸-۷۱۶.
16. Heady C. The effect of child labor on learning achievement. *World Development*. ۲۰۰۳ Feb ۱;۳۱(۲):۳۸۵-۹۸.
17. Brooks-Gunn J, Han WJ, Waldfogel J. First-year maternal employment and child development in the first ۷ years. *Monographs of the Society for Research in Child Development*. ۲۰۱۰ Jan ۱:i-۱۴۸.

۱۸. Gharehbaghy, F., Vafaie, M. Children's Appraisals, Emotion-Focused Coping with Familial Conflicts and Health: An Investigation of Cognitive Theory of Stress in School Aged Children. *Journal of Psychological Studies*, ۲۰۰۹; ۵(۴): ۶۷-۸۴. doi: ۱۰,۲۲۰۵۱/psy.۲۰۰۹,۱۶۱۳
۱۹. Al-Gamal, E., Hamdan-Mansour, AM., Matrouk, R , Al Nawaiseh, M. (۲۰۱۳). The psychosocial impact of child labour in Jordan: a national study. *Int J Psychol.* ۴۸(۶), ۱۱۵۶-۶۴.
۲۰. Matalkeh, H. (۲۰۰۴). Street children in the City of Irbid. Unpublished thesis. Yarmouk University, Irbid.
۲۱. Woodhead, M. (۲۰۰۴). Psychosocial impacts of child work: a framework for research, monitoring & intervention. *International Journal of Children's Rights*, ۱۲, ۳۲۱- ۳۷۷.
۲۲. Safiri K, Ahmadipour Sh, Rostami S, Parhudeh F. Study of future hope in street-working children: A case study of Tehran. ۷nd National Conference on Sociology and Social Sciences; ۲۰۱۴; Tehran: Narkish Information Institute.

*Original Article***Comparison between Hardiness, inferiority feeling, coping styles and Among in working and normal children**

Received: ۱۰/۱۲/۲۰۱۹ – Accepted: ۲۴/۰۴/۲۰۲۰

Maryam Razi^۱
 Hossein Akhlaghi Kouhpayi^{۱*}
 Afshin Salahian^۲

^۱ MA in Psychology, Department of psychology, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

^۲ Assistant Professor, Department of psychology, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

^۳ Assistant Professor, Department of psychology, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

* Department of psychology, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Email: Email: H.akh111@yahoo.com

Abstract

Introduction: The aim of this research was to compare resilience, feelings of inferiority, coping styles, and motivation for achievement between working children and normal children.

Method: This study is applied in nature and employs a causal-comparative research design. The research population consisted of all working children and normal children in Tehran. Using a convenience sampling method, ۱۰۰ normal children and ۱۰۰ working children were selected. Questionnaires addressing resilience, inferiority, coping styles, and achievement motivation were distributed among both groups, and the necessary data for analysis were collected.

Results: The results of the multivariate analysis of variance indicated that there are differences in resilience, feelings of inferiority, and coping styles between working children and normal children. The Bonferroni post-hoc test showed that feelings of inferiority and emotion-focused coping styles were significantly higher in working children than in normal children ($p \leq 0.05$), while resilience and problem-focused coping styles were higher in the group of normal children compared to the working children ($p \leq 0.05$). However, no significant difference was found in motivation for achievement between working children and normal children.

Conclusion: Based on the findings of the research, it is recommended to design educational and supportive programs for working children that focus on enhancing resilience and problem-solving coping skills. Additionally, creating an environment to promote self-confidence and reduce feelings of inferiority in these children could help improve their mental and social well-being.

Keywords: Resilience, feelings of inferiority, coping styles, motivation for achievement, working children.

conflict of interest: There is no conflict of interest.